زندگی سلام
ضمیمه روزنامه خراسان
ZENDEGI-SALAM
•شنبه•۴ خرداد ۱۳۹۸•شماره ۱۳۳۰

حدیث روز

امام صادق(ع): آغاز سال (حساب اعمال) شب قدر است. در آن شب برنامه سال آینده نوشته می‌شود.
وسائل الشیعه

ذکر روز شنبه
صد مرتبه «یارب العالمین»

آیات نور

سوره شعرا

او عزیز و رحیم است

«عزیز» به معنی قدرتمندی است که شکست‌ناپذیر است، هم توانایی بر ارائه آیات بزرگ دارد و هم در هم کوبنده تکذیب کنندگان است. ولی با این حال «رحیم» است و رحمت واسعه‌اش همه جا را فرا گرفته و بازگشت جدی به سوی او در یک لحظه کوتاه کافی است که تمام نظر لطف او را متوجه انسان سازد و بر گناهان گذشته‌اش قلم عفو کشد.
منتخب تفسیر نمونه

در محضر بزرگان

برنامه انسان‌سازی ماه مبارک رمضان

استاد شهید مرتضی مطهری فرمودند:
اساسا برنامه ماه مبارک رمضان برنامه انسان‌سازی است که انسان‌های معیوب در این ماه خود را تبدیل به انسان‌های سالم و انسان‌های سالم خود را تبدیل به انسان‌های کامل کنند. برنامه ماه مبارک رمضان برنامه تزکیه نفس است، برنامه اصلاح معایب و رفع نواقص است، برنامه تسلط عقل و ایمان و اراده بر شهوات نفسانی است... برنامه پرواز به سوی خداست، برنامه ترقی دادن روح است.
انسان کامل

بریده کتاب

مصیبت انسان

این اوج مصیبت انسان عصر ماست؛ له کردن آن‌هایی که نمی فهمیم شان... فهم خود را اوج فهم جهان دانستن.
«فردا شکل امروز نیست»
اثر نادر ابراهیمی

قرار مدار

اندکی صبر

مگر می‌شود؟

آساره نظری

مگر می‌شود ابر
فراموش کند ببارد
یا همین درخت توت توی حیاط
فراموش کند ثمر بدهد؟
من چگونه عاشق تو نباشم؟
برای چه زنده‌ام
اگر عاشق تو نباشم؟

دنیا به روایت تصویر

سی‌ان‌ان| ترافیک سنگین برای رسیدن به قله اورست

تلگراف| تمرین نیروهای نظامی آلمان

تاس| پخت بزرگ‌ترین نیمروی جهان به وزن ۴۸۳ کیلو با ۷۰۲۰ تخم مرغ، روسیه

مناسبتی

یارب دل پاک و جان آگاهم ده
آه شب و گریه سحرگاهم ده
در راه خود اول ز خودم بی‌خود کن
بی‌خود چو شدم ز خود به خودراهم ده
خواجه عبدا... انصاری

شنبه‌ها
آموزش شعبده‌بازی

ریختن نوشابه از قوطی خالی

روش اجرا: در این شعبده، قوطی نوشابه را در حالی در معرض دید بیننده قرار می‌دهیم که ظاهرا خالی است و بدنه آن هم فرورفته است. آن را داخل یک لیوان سرازیر می‌کنیم. هیچ نوشابه‌ای نمی‌ریزد. سپس با چند ثانیه در دست گرفتن قوطی و تکان دادن آن، دوباره امتحان می‌کنیم نوشابه از آن می‌ریزد.

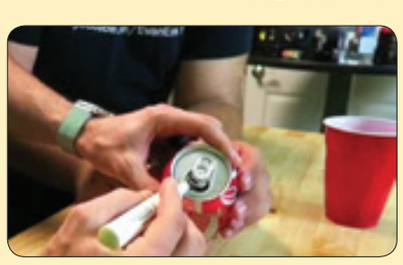

لوازم مورد نیاز: یک قوطی نوشابه، ماژیک مشکی، یک سوزن و یک لیوان

توضیح تردستی: برای انجام دادن این شعبده ما به یک سوزن یا جسم نوک‌تیز نیاز داریم که قوطی را سوراخ کنیم. بعد از سوراخ کردن قوطی، مقداری از نوشابه را از طریق همان سوراخ تخلیه می‌کنیم. سپس بدنه قوطی را کمی له می‌کنیم. در ادامه با ماژیک قسمتی از سر قوطی را سیاه می‌کنیم به طوری که از دید بیننده باز شده به نظر برسد. قوطی را هم جوری باید روی میز بگذاریم که قسمت سوراخ آن به طرف بالا باشد. قوطی را از روی میز برمی‌داریم و طوری می‌گیریم که انگشت‌مان روی سوراخ بدنه آن باشد و دیده نشود. قوطی را توی لیوان سرازیر می‌کنیم طبیعتا چیزی از آن نمی‌ریزد. سپس قوطی را در دست‌مان

می‌گیریم و هنگام تکان دادن آن طوری که بیننده متوجه نشود سرش را باز می‌کنیم و دوباره امتحان می‌کنیم. نوشابه از قوطی، داخل لیوان می‌ریزد.

ما و شما

*در زندگی سلام خودروهای خاص جهان مثل پورشه و فراری و بوگاتی را معرفی کرده بودین. خیلی تاسف خوردم. در کشور ما هم اگه مسیر خودروسازی این طور پیش نرفته بود، شاید حالا برندهایی مشابه برندهای معروف جهان در زمینه ساخت خودرو می‌داشتیم، نه این که نوار محافظ بغل جزو آپشن‌هاش حساب بشه!
*سر همان کوچه سبز که می‌رسد به انتظار، من ایستاده‌ام هنوز، مرا به خاطر بسپار... تقدیم به دوست گلم حسین احمدی عزیز. **دادارای**
*پرونده‌های مجهول خیلی جالبه، چرا نباید چاپ بشه؟ خیلی جالب و خواندنیه.
*پدر عزیزم از همه زحمت‌هایی که برامون کشیدی از ته دل ممنونم... ان شاءا... بتونم مهر و محبت و فداکاری‌هات رو جبران کنم. **پسرت رسول**
*این دست تو کانال کولر ستون ترسناک که سفید بود! **مهدی**
*خانم وطن پرست عزیز، دلگرمی همیشه باید باشد و شما تنها دلگرمی من توی حرم هستین، می‌دونم به قلب مهربون‌تون معذرت‌خواهی بسیاری بدهکارم برای روزهایی که گرفت، شکست... توی روزنامه محبوبم معذرت‌خواهی می‌کنم از شما تا همه آدم‌های دنیا بدونن چقدر برام عزیز هستین و چقدر دوست‌تون دارم. **زهرا**

دور دنیا

کشف کلنی زنبورها در اتاق خواب

آدیتی سنترال- یک خانواده اسپانیایی که از صدای زنبورها در اتاق خواب‌شان به ستوه آمده بودند و تحملش را نداشتند، از یک زنبوردار خواستند تا آن‌ها را از دست این حشرات خلاص کند. اما این زنبوردار بعد از کندن دیوار متوجه یک کلنی ۸۰ هزارتایی زنبور عسل در فضایی کمتر از یک متر شد که به گفته اش عجیب‌ترین چیزی بود که تا به حال دیده بود. معلوم نیست این حشره‌ها چطور یک سال در این فضا زندگی کرده و تکثیر شده بودند.

خرید تابلوی نقاشی پیکاسو به قیمت مفت!

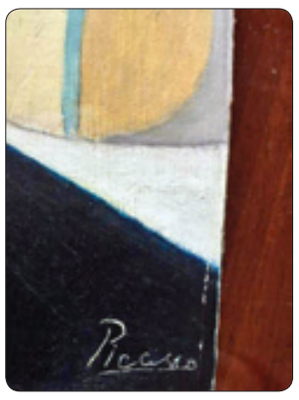

اسکای نیوز- مردی انگلیسی که برای خرید به بازار هنری رفته بود، با دیدن یک تابلوی نقاشی که به نظر می‌رسید کپی خوبی از یک نقاشی معروف است، آن را به قیمت ۲۳۰ پوند خرید. اما بعدا معلوم شد این تابلوی نقاشی اثر حقیقی پیکاسو مربوط به سال ۱۹۳۰ است و توسط خودوی نقاشی شده است. قیمت واقعی این تابلوی نقاشی اصیل حدود ۷۵۰ هزار پوند است. به گفته این مرد، وی تا مدت‌ها از این که پول زیادی برای این تابلوی به ظاهر جعلی پرداخته، ناراحت بود! قرار است این تابلو به حراج گذاشته شود.

جذب فالوئر به هر قیمتی

آدیتی سنترال- جولیا اسلونکا، مدل جوان لهستانی، برای جذب فالوئر بیشتر برای صفحه شش هزارتایی‌اش در اینستاگرام، دست به کار عجیبی زد. او ویدئویی از خودش در حال تخریب دماغ یک مجسمه ۲۰۰ ساله منتشر کرد که واکنش‌های بسیاری را از سوی کاربران مجازی برانگیخت. با این که او در ویدئوی دیگری معذرت‌خواهی کرده است اما برای بررسی‌های بیشتر به دادگاه احضار شد.

مارپیچ(سختی ۶۰٪)

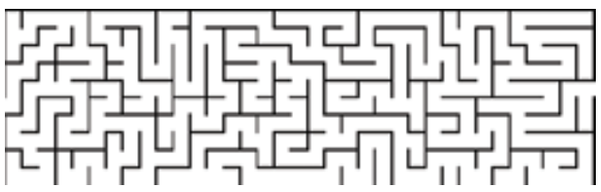

راه‌های ارتباطی با ما

پیامک ۲۰۰۰۹۹۹
و تلگرام ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶

« آگهی مزایده »
(مزایده شماره ۴-۳۷-۹۸)

اداره کل راه‌آهن خراسان در نظر دارد اجاره سالن های سرپوشیده و زمین چمن (به منظور انجام فعالیتهای ورزشی) واقع در محدوده ایستگاه راه آهن مشهد را از طریق برگزاری مزایده به متقاضی واجد شرایط واگذار نماید :پیمانکاران واجد شرایط جهت دعوت به مزایده ازطریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد) به نشانی www.setadiran.ir به شرح زیر اقدام نمایند.مزایده گران موظفند برای شرکت مزایده نسبت به ثبت نام درسایت مذکور و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی اقدام نمایند.لازم به ذکراست کلیه مراحل برگزاری مزایده ازفراخوان تا انتخاب برنده ازطریق سایت مزبورانجام می گردد. ۱- نام سازمان مزایده گزار : اداره کل راه آهن خراسان .۲ - شرح مختصر موضوع مزایده : اجاره سالن های سرپوشیده و زمین چمن (به منظور انجام فعالیتهای ورزشی) واقع در محدوده ایستگاه راه آهن مشهد .۳ -شایان ذکراست دریافت اسناد و ارائه پاسخ مزایده صرفاً میبایست ازطریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد)صورت پذیرد و شرکت کنندگانی مجاز به خرید حضوری اسناد می باشند که قبلا در سامانه مذکور ثبت نام نموده اند. تذکر: خرید اسناد فقط در قبال ارائه رسید ثبت نام در سامانه صورت می پذیرد. ٤ - مهلت خرید اسناد مزایده : تا ساعت ١٤ روز شنبه مورخ ۹۸/۰۳/۱۸ ۵. - قیمت اسناد مناقصه و نحوه واریز وجه : مبلغ ۱٬۰۰۰٬۰۰۰ (یک میلیون) ریال به شماره حساب IR ۷۱۰۱۰۰۰۰۰۴۰۰۶۴۰۴۰۵۷۴۷ با شناسه واریز: ۲۹۷۰۶۴۰۶۰۲۸۰۵۰۹۸۵۱۳۴۲۱۹۸۰۱۰۰ بنام تمرکز درآمد راه آهن ۶ - خرید از طریق پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات http/iets.mporg.ir رایگان میباشد . ۷ - محل خرید حضوری اسناد مزایده : مشهد ـ اداره کل راه آهن خراسان- چهارراه راه آهن ـ حوزه معاونت توسعه مدیریت و منابع ـ امور قراردادها و خریدها. ۸ - مهلت و محل ارائه پیشنهاد : تا ساعت ۱۵:۳۰ روز چهارشنبه مورخ ۹۸/۰۳/۲۹ - چهارراه راه آهن ـ حوزه معاونت توسعه مدیریت و منابع ـ دبیرخانه اداره کل راه آهن خراسان. ۹ - زمان بازگشایی پاکات مزایده : ساعت ۱۰ روز پنجشنبه مورخ ۹۸/۰۳/۳۰ . ۱۰ - نوع و مبلغ یا درصد تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار : ۱ - بابت سالن شهدا : مبلغ ۶۲٬۸۰۸٬۰۸۰ (شصت و هفت میلیون و هشتصد و هشت هزار و هشتاد) ریال ۲ - سالن کشتی : مبلغ ۱۸٬۲۵۶٬۱۵۰ (هجده میلیون و دویست و پنجاه و شش هزار و صد و پنجاه) ریال ۳ - سالن تنیس : مبلغ ۱۰٬۴۳۲٬۱۶۵ (ده میلیون و چهارصد و سی و دو هزار و صد و شصت و پنج) ریال ٤ - زمین چمن : مبلغ ٤۱٬۲۲۸٬۰۰۰ (چهل و یک میلیون و هفتصد و بیست و هشت هزار) ریال . مطابق با تضامین معتبر مندرج در آیین نامه تضمین معاملات دولتی موضوع مصوبه شماره ۱۲۴۲۰۲/ت ۵۰۶۵۹ هـ مورخ ۹٤/۰۹/۲۲ هیات محترم وزیران ، در صورت واریز نقد شماره حساب IR۲۹۰۱۰۰۰۰۰۴۰۰۶۰۶۳۲۲۶۲۴ نزد بانک مرکزی اعلام می گردد . تذکر: به درخواست مناقصه گزار ضمانتنامه شرکت در فرآیند ارجاع کار لازم است به مدت سه ماه دیگر قابلیت تمدید داشته باشد. ۱۱ - اجاره ماهیانه : طبق نظریه کارشناسی درج شده در اسناد مزایده. ۱۲ هزینه دو نوبت آگهی روزنامه به عهده برنده مزایده است لازم به ذکر است در صورت وجود چندین برنده هزینه به صورت مساوی بر عهده کلیه برندگان میباشد. ۱۳ - هزینه کارشناس رسمی دادگستری جهت هر مورد ، طبق نظریه کارشناس رسمی دادگستری به عهده برنده مزایده است.

اداره کل راه آهن خراسان

۹۸۰۲۵۹۵۵/

تفأل

بی مهر رخت روز مرا نور نمانده است
وز عمر مرا جز شب دیجور نمانده است
هنگام وداع تو ز بس گریه که کردم
دور از رخ تو چشم مرا نور نمانده است

داستانک

باران همیشه باران نیست

حسین جعفری

امروز هم مثل همیشه دیر از مدرسه به خانه رسیدم. تقصیر آقانعمت، راننده سرویس مدرسه‌مان است. همیشه پشت چراغ قرمزها خوابش می‌برد و با صدای بوق و سروصدای بچه‌ها از خواب می‌پرد. به خانه که آمدم اوضاع اصلا خوب نبود. ظاهرا چند ساعتی باران آمده و همه چیز را به هم ریخته بود. پدر که تازه ماشینش را از کارواش آورده بود، از آمدن باران کلافه بود و مدام به لکه‌های آب روی ماشینش نگاه می‌کرد و زیر لب غر می‌زد. مادر، فرش بزرگ وسط هال را به سختی به حیاط خانه می‌کشید تا زیر نور آفتاب آن را خشک کند. سهراب برادر کوچک‌ترم، چکمه‌هایش را اوارونه در دست گرفته بود و آن‌ها را تکان‌تکان می‌داد تا آب داخل‌شان خالی شود. از همه جالب‌تر حال و روز مخمل، گربه بازیگوش من بود که از ترس باران، جرئت نمی‌کرد از خانه‌اش داخل حیاط بیرون بیاید و سهم ماهی خشک شده هر روزش را بگیرد.
کیفم را از دوشم درآوردم و به کنار پنجره آمدم. پرده‌های خانه همسایه کناری‌مان آقا و خانم نوروزی، باز کشیده شده بود و هیچ کس داخل حیاط‌شان نبود. آن‌ها هیچ‌وقت از آمدن باران خوشحال نمی‌شدند. لباس‌هایم را که عوض کردم رفتم سراغ ماهی‌های داخل حوض حیاط تا برایشان غذا بریزم، اما آن وروجک‌ها هم با باران میانه خوبی نداشتند و پشت سنگ‌های داخل حوض قایم شده بودند.
اصلا من نمی‌دانم چرا همه با آمدن باران مشکل دارند. درست است که کمی شیطنت می‌کند، ولی من باران را خیلی دوست دارم. به خصوص وقتی که شکلات‌های بزرگ شیری‌اش را با من نصف می‌کند. به نظر من باران بهترین دخترخاله دنیاست.

قاب جهان

قبرستان میان شهر

دکتر ناصر مکارم، استاد دانشگاه از اسکاتلند

انگلیسی‌ها با مرده‌ها خیلی راحت‌اند و قبرستان‌های کوچک به طور معمول در همه جای شهرهای انگلستان پراکنده‌اند. در این قبرستان در بیرمنگام هیچ فاصله و دیواری بین قبرها با خیابان و منازل نیست.

اینستاگردی

نارون کودکی

ابوالفضل جلیلی، کارگردان کشورمان در صفحه اینستاگرامش از خاطرات دوران کودکی‌اش نوشته است که بخشی از آن را با هم می‌خوانیم:
...جلوی باغ پدربزرگ یه کوچه باغ عریض و طویل بود با درخت‌های توت بلند و سالخورده و سه نهر آب که از میون درخت‌ها می‌گذشت. در فاصله بین نهرها چندین و چند درخت نارون بزرگ که مثل توپ‌هایی به بزرگی یک اتاق سبز به ردیف قرار گرفته بودند و پایین‌شون پر از ماسه‌های نرم و خیس، با هزاران گنجشک شاد و سرمست که میون شاخ و برگ اون‌ها زندگی می‌کردند. آفتاب که می‌زد باغبون پدربزرگ یه نردبون چوبی کوچیک و زهوار در رفته‌ای رو تکیه می‌داد به تنه یکی از نارون‌ها که از همه گردتر و بزرگ‌تر بود و من می‌رفتم بالا و تا اون جا که از رویاهام خسته می‌شدم، می‌نشستم وسط درخت و گنجشک‌ها رو تماشا می‌کردم که می‌رفتند و برمی‌گشتند. گاهی وقت‌ها که تا نزدیکی‌های غروب اون بالا می‌موندم مادربزرگ ازم می‌پرسید آخه واسه چی این قده میری بالای نارون؟ خیلی جدی می‌گفتم می‌خوام وقتی بزرگ شدم وزن گرفتم با زنم بریم وسط نارون زندگی کنیم. مادربزرگ می‌خندید و می‌گفت آخه کدوم دختر عاقلی میاد وسط درخت زندگی کنه پسر؟ و باز می‌خندید و من می‌دیدم در رویاهایم اون چه را اوو اون‌ها نمی‌دیدند.
سال‌ها و سال‌ها گذشت. مادربزرگ و پدربزرگ رفتند و من از کودکی فاصله‌ها گرفتم. یه روز که دلتنگ رویاهای از دست رفته شدم به باغ پدربزرگ رفتم. نه کوچه باغی بود و نه نهر آبی و نه درخت‌های کهن سال توت و نه خبری از نارون‌ها. خانه من را نیز از ته بریده و تنه‌اش را سوزانده بودند، اما من بر این باورم که نارون‌ها جوانه خواهند زد و بزرگ خواهند شد، برگ خواهند داد و گنجشک‌ها دوباره خواهند خواند. حتی اگر من نباشم.